

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ لَمَّا اضْطَرَبَ عَلَيْهِ أَصْحَابُهُ فِي أَمْرِ الْحُكُومَةِ:
أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرِي مَعَكُمْ عَلَى مَا أَحَبُّ حَتَّى نَهَيْتُكُمْ الْحَرْبَ، وَقَدْ - وَ
اللَّهِ - أَخَذْتُ مِنْكُمْ وَتَرَكَتُ، وَهِيَ لِعَدُوِّكُمْ أَنْهَكَ، لَقَدْ كُنْتُ أَمْسِ أَمِيرًا
فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَأْمُورًا، وَكُنْتُ أَمْسِ نَاهِيًا فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَنْهِيًا، وَقَدْ أَحْبَبْتُمْ
الْبُقَاءَ، وَ لَيْسَ لِي أَنْ أَحْمِلَكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ .

درباره حکمیت: نکوهش از نافرمانی کوفیان

ای مردم، همواره کار من با شما به دلخواه من بود تا آنکه جنگ شما را ناتوان کرد، به خدا اگر جنگ کسانی را از شما گرفت، و جمعی را گذاشت، برای دشمنانتان نیز کوبنده تر بود، من دیروز فرمانده و امیر شما بودم ولی امروز فرمانم می دهند، دیروز بازدارنده بودم که امروز مرا باز می دارند، شما زنده ماندن را دوست دارید، و من نمی توانم شما را به راهی که دوست ندارید اجبار کنم.